

آیا آینده خود را به دست الگوریتم‌ها بسپاریم؟

پس از یک روز پرهیاهو، بالاخره روی کاناپه می‌خوابی تا مغزت خنک شود، اما این ذهن لعنتی تازه راه می‌افتد.



پس از یک روز پرهیاهو، بالاخره روی کاناپه می‌خوابی تا مغزت خنک شود، اما این ذهن لعنتی تازه راه می‌افتد. یکبار می‌پرد به دعوی دیروز؛ نگران خانه آینده می‌شود؛ باز می‌رود به جلسه ماه پیش و آخرسر هم چیدن برنامه فردا. دانشمندان می‌گویند وقتی که می‌خواهید هیچ کاری نکنید، فعالیت ذهنتان به حداکثر ممکن می‌رسد. این فعالیت نوعی سفر در زمان است و به ما قدرت رفتن به آینده را می‌دهد. استیون جانسون نویسنده علمی و نظریه پرداز رسانه می‌گوید باید تاریخ تکنولوژی را با «انسان آینده پرداز» فهمید، انسانی که به شکل سنتی کشاورزی می‌کرد و حالا دارد برای پیشگویی آینده الگوریتم طراحی می‌کند.

به گزارش ایسنا، روزنامه «جوان» در ادامه نوشت: تصور کنید اواخر عصر یک روز کاری است و شما برای پیاده روی رفته اید بیرون. خیلی از در خانه دور نشده اید که به مسیر معمول پیاده روی تان در محله می‌رسید و ناگاه ذهنتان به جلسه مهمی معطوف می‌شود که برای هفته بعد برنامه ریزی شده است. در ذهنتان تصور می‌کنید که جلسه به خوبی پیش رفته - و همچنانکه آن صحنه را تصور می‌کنید، جنب و جوش ظریفی از لذت مورد انتظار در جانتان پا می‌گیرد- و به خودتان امید می‌دهید که شاید فرصتی فراهم شده از ریاستان درخواست افزایش حقوق کنید؛ البته نه اینکه از همان لحظه حقوقتان را افزایش دهد، بلکه در چند ماه بعد از آن. تصور می‌کنید که او جواب مثبت می‌دهد و اینکه آن افزایش حقوق چه معنایی برایتان خواهد داشت: سال بعد، شما و همسرتان بالاخره می‌توانید از شر بازار اجاره خلاص شوید و در محله بهتری در همان نزدیکی خانه ای بخرید که در حوزه آموزشی بهتری هم قرار دارد، اما سپس ذهنتان به مشکلی کشیده می‌شود که این اواخر با آن دست به گریبان بوده اید: یکی از اعضای گروهتان که فردی با استعداد، اما تند مزاج است. همچنانکه قدم می‌زنید، احساس ناراحتی ای را به یاد می‌آورید که هنگام پرخاش همکاران برای رنجش بسیار بی‌معنای او فضای اتاق را پر کرد. جلسه دیگری را در شش ماه بعد تصور می‌کنید که همین رفتار انفجاری در آن رخ می‌دهد؛ فقط این دفعه در حضور ریاستان اتفاق می‌افتد. موج کوچکی از نگرانی ذهنتان را فرامی‌گیرد. پیش خودتان فکر می‌کنید شاید او خیلی مناسب این شغل نیست و این فکر شما را یاد پنج سال قبل می‌اندازد که یکی از کارمندان را اخراج کردید. ذهنتان تنش ناخوشایند آن گفتگو را به یاد می‌آورد و آنگاه تصور می‌کنید که گفت و گوی مشابهی با کارمند فعلی تان خواهید داشت چقدر پرتنش تر و ناخوشایندتر خواهد شد. همچنانکه ذهنتان با این سناریو پیش می‌رود، احساسی پیدا می‌کنید نزدیک به هراس فیزیکی. فقط در خلال چند دقیقه پرسه ذهنی، شما چند سفر متمایز رفت و برگشتی از گذشته به آینده انجام می‌دهید؛ به هفته پیش رو و جلسه مهمتان، به یکی دو سال بعد و خانه خریداری شده در محله جدید، بازگشت به پنج سال قبل، به چند هفته بعد. شما زنجیره‌هایی از علت و معلول مرتبط با آن لحظات متفاوت می‌سازید و به آرامی و پیوسته از وقایع بیرونی به حوادث تخیل شده حرکت می‌کنید. کل این تسلسل نوع پیشرفته ای از ژیمناستیک زمانی است. در این لحظات تفکر بی ساختار، ذهن ما به سرعت میان گذشته و آینده به عقب و جلو می‌پرد، مثل یک تدوینگر فیلم که در سراسر فریم های یک فیلم پس و پیش می‌رود.

قابلیت آینده پردازی، هم در بسیاری از انقلاب های اجتماعی و علمی که تاریخ بشر را شکل داده منعکس شده و هم به لطف آن ها تقویت شده است. خود کشاورزی، بدون حالت کاربردی ای از آینده، قابل تصور نبود؛ پیش بینی تغییر فصل ها و تجسم پیشرفت های بلندمدتی که از محصولات اهلی شده انتظار می‌رفت. بانکداری و سیستم های اعتباری مستلزم اذهانی بود که بتوانند ارزش مالی زمان حال را برای امکان پذیری دستاوردهای عظیم تر آینده فدا کنند. ما با موهبت منحصر به فردی برای تصور آینده به دنیا آمده ایم، اما از طلیعه تمدن به این سو، آن موهبت ها را ارتقا داده ایم. امروزه پیشرفت های جدیدی در قالب الگوریتم های یادگیری ماشینی که به انسان ها در انواع خاصی از پیش بینی ها برتری داده اند، در افق پدیدار شده است. همانطور که هوش مصنوعی برای تقویت اساسی ترین استعداد انسانی ما ساخته شده، ما با این پرسش دقیق مواجه می‌شویم که: اگر در پیش بینی آینده هر چه بیشتر توفیق یابیم، آینده چه تفاوتی خواهد کرد؟

پیش بینی های دقیق هواشناسی صرفاً یکی از دستاوردهای اولیه سفر زمانی مبتنی بر نرم افزار است؛ الگوریتم هایی که به ما اجازه می‌دهند به آینده ای چشم بدوزیم که به نحوی همین چند دهه پیش ناممکن بود؛ و سه مؤلف دانشگاه تورنتو در کتاب مشترک جدیدی آن ها را «ماشین های پیشگو» نامیده اند. الگوریتم ها می‌توانند برنامه ریزی شوند تا با کندوکاو مخازن عظیمی از داده های مربوط به حوادث گذشته، پیش بینی های فوق العاده دقیقی از حوادث آینده ایجاد کنند. یک الگوریتم را می‌توان برنامه ریزی کرد که با تحلیل هزاران خریدوفروش مسکن و پرونده های مالی خریداران و بررسی فرضیه ها با رهگیری خریدارانی که در نهایت از پرداخت بدهی وامی مانند، تأخیر بازپرداخت اقساط وام های آینده را پیش بینی کند. روشن است که نتیجه آن برنامه ریزی یک پیش بینی قطعی تخلف ناپذیر نیست، اما چیزی است شبیه به پیش بینی هایی که ما در گزارش های وضع هوا

به آن ها تکیه می کنیم. این الگوریتم ها می توانند به تصحیح نقایص خطرناکی کمک کنند که در شبکه پیش فرض وجود دارد: انسان ها به بدعمل کردن در برآورد احتمالات شهره اند. در هنگام تصمیم های ظریفی که بالقوه با شمار عظیمی از گزینه های مختلف سروکار پیدا می کنیم سیستم های یادگیری ماشینی کمک بسیار بزرگی خواهند بود. انسان ها در ساخت و پرداخت همزمان آینده های تخیلی برای خطوط زمانی رقیب بسیار توانمند: در یکی از این خطوط زمانی، شغل جدیدی قبول کرده اید و در یکی دیگر آن را رد کرده اید، اما اذهان ما وقتی لازم می شود چندین یا صدها سیر زمانی آینده را ردگیری کنند، با سقف و محدوده ای محاسباتی مواجه می شوند؛ اما ماشین های پیش بینی کننده هوش مصنوعی چنین محدودیتی ندارند و همین امر آن ها را در کمک رسانی به مجموعه معناداری از تصمیم های مهم زندگی، مهارت بسیار می بخشد؛ تصمیم هایی که برای تحلیل، به داده های طراحی شده ارزشمند و شمار بزرگی از آینده های بدیل بستگی دارند.

در دهه های آتی، بسیاری از ما از پیش بینی های یادگیری ماشینی بهره خواهیم برد تا به ما در همه انواع تصمیم گیری در زندگی کمک کنند: مثلاً تغییرات شغلی، برنامه ریزی های مالی و گزینش های استخدامی. همچنانکه ما درصد تکیه بیشتر به ماشین های پیشگویی هوش مصنوعی برمی آیم، چه بر سر قوای سفر زمانی مان خواهد آمد؟ شاید نتیجه این وضع وحشتناک یا رهایی بخشی یا ترکیب عجیبی از هر دو آن ها باشد. در حال حاضر به نظر ناگزیر می رسد که هوش مصنوعی قوای آینده پرداز ما را به شیوه های هدفدار جدیدی تغییر می دهد، خواه برای وضعی بهتر یا بدتر، اما خوب است به این هم فکر کنیم که همه تکنولوژی، که به ما در فهم اولیه از شبکه پیش فرض کمک کرد، به این منجر شد که ما را به ریشه هایمان بازگرداند: دادن فرصتی بیشتر به اذهانمان برای پرسه زنی، برای گریز از قیدوبندهای اکنون، برای برون جستن از لحظه کنونی.

نقل و تلخیص از وب سایت ترجمان / نوشته: استیون جانسون / ترجمه: علی کوچکی / مرجع: نیویورک تایمز